



چرا به پیشوای اهل مراقبه «پسر طاووس» می‌گفتند

آیت‌الله ملکی تبریزی می‌نویسد: سید بزرگ «ابن طاووس قدس سره» همان کسی که استادم (قدس سره) می‌گفت: غیر از معصومین علیهم‌السلام کسی در علم مراقبت مانند او نیامده است.

آیت‌الله ملکی تبریزی می‌نویسد: سید بزرگ «ابن طاووس قدس سره« همان کسی که استادم (قدس سره) می‌گفت: غیر از معصومین علیهم‌السلام کسی در علم مراقبت مانند او نیامده است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، در ادامه سلسله گزارش‌های معرفی مفاخر و بزرگان شیعه و با توجه به سخن ارزشمند مرحوم علامه قاضی مبنی بر این که «سه نفر در طول تاریخ عارفان به مقام «تمکن در توحید« رسیده‌اند: احمد بن فهد حلّی، سید بن طاووس و سید مهدی بحر العلوم. در این گزارش به معرفی سید بن طاووس می‌پردازیم.

شهر «حله« و نقش آن در گسترش معارف شیعی

شهر حله یکی از شهرهای بزرگ جهان تشیع محسوب می‌شود و زمانی از مهم‌ترین حوزه‌ها و مراکز علمی، فقهی و ادبی شیعه به شمار می‌رفت که از آن علما و دانشمندان بزرگی مانند «ابن ادریس حلّی، محقق حلّی، علامه حلّی، ابن نما حلّی و ابن فهد حلّی« به صحنه آمدند که نقش مهمی در گسترش و رشد علوم شیعه داشتند و تحول بزرگی در علوم اسلامی ایجاد کردند.

یکی دیگر از بزرگان حله، «سید بن طاووس« فقیه، ادیب، شاعر، محدث و عارف بزرگ شیعه است.

او در روز 15 محرم سال 589 هجری در شهر حله به دنیا آمد. نام کاملش سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس است، و از نوادگان امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما‌السلام محسوب می‌شود. از این رو، ایشان را «سید ذی الحسین« نامیده‌اند.

پیش‌بینی جالب امام علی(ع) درباره حله و علمای آن

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از ظهور چنین علما و بزرگانی در آن خطه خبر داده‌اند. «ابوحزمه ثمالی« از «اصبغ بن نباته« نقل می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در مسیر حرکت از کوفه به طرف صفین بر تپه‌های بابل رسیدند، بر روی تلی ایستادند و به بیشه و نیزاری که بین بابل و همان تل بود، اشاره کردند و فرمودند: شهری است و چه شهر شگفتی!

اصبغ بن نباته که از یاران نزدیک آن حضرت بود عرض می‌کند: ای امیر مؤمنان! می‌بینم از وجود شهری در اینجا سخن می‌گویید، آیا در اینجا شهری بوده که اکنون آثار آن از بین رفته است؟

فرمودند: نه! ولی در اینجا شهری به وجود می‌آید که آن را «حله سیفیه« گویند و مردی از تیره بنی اسد آن را بنا خواهد کرد و از این شهر، مردان پاک سرشت و مطهر پدید می‌آیند که در پیشگاه خداوند «مقرب« می‌شوند. «مستجاب الدعوة«

چرا به سید، پسر طاووس می‌گفتند؟

یکی از اجداد ایشان یعنی محمد بن اسحاق از سادات بزرگوار مدینه بود و به خاطر زیبایی و ملاحظت به «طاووس« مشهور شده بود و فرزندانش را آل طاووس و ابن طاووس می‌گفتند.

پدر و مادر «سید بن طاووس«

پدر سید علی، یعنی موسی بن جعفر، از روات بزرگ حدیث است که روایات خود را در اوراقی نوشته بود و بعد از او فرزندش یعنی «سید بن طاووس« آنها را جمع آوری نمود و با نام «فرقة الناظر و بهجة الخاطر مما رواه والدي موسی بن

جعفر؛ منتشر نمود.

مادر او دختر #171؛ ورام بن ابی فراس؛ صاحب کتاب مجموعه ورام- از بزرگان علمای امامیه بود. مادر پدرش نیز نوه شیخ طوسی بود و به همین خاطر #171؛ سید بن طاووس؛ گاهی می‌گوید: #171؛ جدی ورام بن ابی فراس؛ و گاهی می‌گوید: #171؛ جدی الشیخ الطوسی؛.

برادرها و برادرزاده‌ها و فرزندان او نیز از علمای بزرگوار شیعه بوده‌اند.

#171؛ سید بن طاووس؛ در کلام بزرگان

علامه حلی

علامه حلی در کتاب منهاج الصلاح می‌نویسد: السید السند رضی الدین علی بن موسی بن طاووس، و کان اعبد من رأیناه من اهل زمانه. یعنی سید بن طاووس عابدترین افراد زمان خود بود که دیدیم.

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

عارف فرزانه میرزا جواد ملکی تبریزی از سید بن طاووس تعبیر به #171؛ سید المراقبین؛ نموده است و می‌فرماید: سید بزرگ #171؛ ابن طاووس قدس سره؛ همان کسی که استادم (قدس سره) می‌گفت: غیر از معصومین علیهم‌السلام کسی در علم مراقبت مانند او نیامده است.

ظاهراً مراد آیت‌الله ملکی تبریزی از #171؛ استادم؛، مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی است.

همچنین می‌گوید: سرور ما اسوه اهل علم و عمل، طاووس اهل مراقبت و آموزگار آنان و مروج این علم و عمل کننده به آن، در کتاب اقبال، اصول مراقبات اعمال را به بهترین شکل نوشته است که در نوع خود بی‌نظیر است.

علامه میرزا علی آقا قاضی

علامه میرزا علی آقا قاضی - استاد عرفان علامه طباطبائی و بسیاری دیگر از بزرگان درباره وی چنین فرموده است: سه نفر در طول تاریخ عارفان به مقام #171؛ تمکن در توحید؛ رسیده‌اند: سید بن طاووس، احمد بن فهد حلی و سید مهدی بحرالعلوم.

حضرت امام خمینی

امام خمینی می‌فرماید: از علمای بزرگ معرفت و اخلاق، آنها را که پیش همه علما مسلمند پیروی کن؛ مثل جناب عارف بالله و مجاهد فی سبیل الله، مولانا سید بن طاووس (رضی الله عنه) و مثل مولانا عارف بالله و سالک الی الله، شیخ جلیل بهائی قدس سره

آیت‌الله شیخ جعفر شوشتری

ایشان درباره سید ابن طاووس، می‌فرماید: و بدان که در نقل مراثی، از آن جناب، معتبرتری نداریم. در جلالت قدر، مثل ایشان کم است.

علامه سید محمدحسین طباطبائی

علامه سید محمد حسین طهرانی می‌نویسد: مرحوم استاد (یعنی علامه طباطبائی) به دو نفر از علماء اسلام بسیار ارج می‌نهادند و مقام و منزلت آنان را به عظمت یاد می‌کردند: اوّل: سید اجلّ علیّ بن طاووس اعلیّ الله تعالی مقامه الشّریف، و به کتاب #171؛ اقبال؛ او اهمّیت می‌دادند و او را #171؛ سید اهل المراقبة؛ می‌خواندند.

دوم: سید مهدی بحرالعلوم اعلیّ الله تعالی مقامه، و از کیفیت زندگی و سلوک علمی و عملی و مراقبات او بسیار تحسین می‌نمودند. و تشرّف او و سید ابن طاووس را به خدمت حضرت امام زمان ارواحنا فداه کراراً و مراراً نقل می‌نمودند. و نسبت به نداشتن هوای نفس، و مجاهدات آنان در راه وصول به مقصود، و کیفیت زندگی و سعی و اهتمام در تحصیل مرضات خدای تعالی، مُعجب بوده و با

دیده ابّهت و تجلیل و تکریم می‌نگریستند.

علامه حسن زاده آملی هم نوشته‌اند: علامه طباطبائی، مرحوم سید بحر العلوم و ابن فهد صاحب عدّة الداعی و سید ابن طاووس صاحب اقبال را از کَمَل می‌دانست و می‌فرمود: اینها کامل بودند.

علامه حسن زاده آملی

علامه حسن زاده آملی می‌نویسد: شایسته است سخنی از سید بن طاوس که به فرموده بعضی از مشایخ ما از کَمَل بوده است به عرض برسانم: آن جناب در کتاب شریف اقبال فرموده است: «من بدون استهلال و رجوع به جدول تقویم از اوّل ماه و هلال آن باخبرم، و نیز از لیلة القدر آگاهی دارم«.

تحصیلات، هوش و استعداد قوی «سید بن طاووس«

ابتدای تحصیلات سید ابن طاووس در شهر حله بود که از محضر پدر و جد خود، «ورام بن ابی فراس« علوم مقدماتی را آموخت.

سید با درکی قوی و هوشی سرشار، قدم در راه علم نهاد و در اندک زمانی از تمام هم شاگردی‌های خود سبقت گرفت. وی در «کشف المحجّة« می‌گوید: «وقتی من وارد کلاس شدم آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم.«

او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استاد بی‌نیاز دید و بقیه کتب فقهی عصر خویش را به تنهایی مطالعه نمود.

جشن تکلیف از ابتکارات سید بن طاووس

سید بن طاووس از عبادت لذّت می‌برد و جریان جشن تکلیف از افتخارات ایشان است. وقتی پانزده سالش تمام شد و وارد سال شانزدهم شد، گفت باید شاکر باشم که تا دیروز لایق محضر الهی نبودم که خدا با من سخن بگوید؛ لایق نبودم جزو خطاب «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا« باشم، خداوند چیزی از من بخواهد، به من فرمان بدهد و من اطاعت کنم اما از امروز به حدّی رسیدم که خدای سبحان به من دستور می‌دهد. با من حرف می‌زند. مرا مخاطب قرار می‌دهد و این روز عید من است.

لذا جشنی گرفت و عده‌ای را دعوت کرده، پذیرایی کرد و شیرینی داد. مردم گفتند چه جشنی است؟ گفت جشن تشریف است نه تکلیف. من مشرّف شدم نه مکلف؛ چون گلفتی (سختی) نیست، شرافت است.

شخصیت اجتماعی «سید بن طاووس«

سید بن طاووس در بین علما و مردم زمان خویش از احترام خاصی برخوردار بود. او علاوه بر اینکه فقیهی نام آور بود، ادیبی گرانقدر و شاعری توانا شمرده می‌شد، گرچه شهرت اصلی او در زهد و تقوی و عرفان اوست و اکثر تألیفات او در موضوع ادعیه و زیارات است.

سید، کتابخانه بزرگ و بی‌نظیری داشت که از جدش به ارث برده بود و او به گفته خودش تمام آن کتابها را مطالعه کرده یا درس گرفته بود.

سفرهای علمی «سید بن طاووس«

سید بن طاووس که از محضر اساتید حله استفاده کافی و لازم را برده بود برای استفاده از علمای دیگر شهرها، عزم سفر نمود.

او ابتدا به کاظمین رفت. پس از مدتی ازدواج نمود و ساکن بغداد شد. مدت 15 سال در شهر بغداد به تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف پرداخت. ورود سید به بغداد سال 625 هجری بوده است.

سید که تحت فشار دولت عباسی برای پذیرش پستهای حکومتی قرار گرفته بود از بغداد به حله، زادگاه خویش، مراجعت کرد.

وی مدت سه سال نیز در جوار امام هشتم علیه السلام به سر برد. سپس به نجف و کربلا هجرت کرده و در هر کدام حدود 3 سال مقیم شد. در این زمان علاوه بر تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف، همّت اصلی خویش را بر سیر و سلوک و کسب معنویات قرار داد.

در زمان اقامت در کربلا کتاب شریف «کشف المحجّة« را به عنوان وصیتی برای فرزندانش که در آن زمان کودک بودند نوشت.

آخرین سفر ابن طاووس در سال 652 هجری به بغداد بود. وی در بغداد منصب نقابت را پذیرفت و تا پایان عمر خویش در همانجا سکنی گزید. زمانی که مغولها به بغداد حمله کرده و آن را اشغال نمودند، سید نیز در بغداد بود.

سید بن طاووس، مورد احترام امام زمان(عج) بود

در کمالات سید بن طاووس آمده است که از نزدیکان امام عصر عجل الله فرجه بود. امام عصر علیه السلام عزت و احترام خاصی برای وی قایل بود و هم چنین گفته‌اند که وی «اسم اعظم« را می‌دانست و «مستجاب الدعوه« بود.

شنیدن دعای امام زمان (عج) توسط سید بن طاووس

از سید بن طاووس نقل است که سحرگاهی، در سرداب مطهر، از حضرت صاحب الامر(عج) این مناجات را شنیدم که می‌فرمود: «خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و طینت ما خلق کرده‌ای. آنها گناهان زیادی به اتکا بر محبت و ولایت ما کرده‌اند. اگر گناهان آنها گناهی است که در ارتباط با توست، از آنها در گذر، که ما را راضی کرده‌ای و آن چه از گناهان آنها در ارتباط با خودشان و مردم است، خودت بین آنها را اصلاح کن و از خمسی که به حق ماست، به آنها بده تا راضی شوند و آن ها را از آتش جهنم نجات بده و آنها را با دشمنان ما در سخت خود جمع نفرما«.

سید بن طاووس می‌فرمود: برای سلامتی امام زمان (عج) صدقه بدهید

یکی از اعمالی که سید بن طاووس به آن بسیار اهمیت می‌داد، صدقه برای حفظ وجود مقدس امام زمان - ارواحنا فداه - بود.

مؤمنی که صدقه می‌دهد فایده و غرضی در نظر دارد؛ یا برای حفظ نفس خود و یا محبوب و عزیزی که بسیار نزد او گرمی است و چه محبوبی بالاتر از امام زمان (عج) که اصلاح بسیاری از امور دینی و آخرتمان بستگی به وجود و سلامتی آن حضرت دارد و هیچ شخصی عزیزتر و گرمی‌تر از وجود مقدس امام زمان (عج) نیست. لذا سید بن طاووس، به فرزند خود سفارش می‌فرماید که: ابتدا کن به صدقه دادن برای آن حضرت قبل از اینکه خود و عزیزانت صدقه بدهی.

سید، منصب‌های پیشنهادی خلیفه عباسی را رد کرد

در دوران اقامت سید ابن طاووس در بغداد از سوی خلیفه عباسی، المستنصر، پیشنهادهایی مانند وزارت، سفارت و... به او شد؛ اما سید هیچ یک را نپذیرفت و استدلالش برای خلیفه چنین بود: «اگر من طبق مصلحت شما عمل کنم رابطه خویش را با خداوند قطع می‌نمایم و اگر طبق اوامر الهی و عدل و انصاف حرکت کنم خاندان تو و بقیه وزرا و سفرا و فرماندهان تو آن را تحمل نخواهند کرد و چنین خواهند گفت که علی بن طاووس با این رویه می‌خواهد بگوید اگر حکومت به ما برسد اینچنین عمل می‌کنیم و این روشی است بر خلاف سیره حکمرانان قبل از تو و مردود دانستن حکومت‌های آنهاست.«

فرمانروای مغول در دهم صفر 656 سید را فرا خوانده، امان نامه‌ای برای او و یارانش صادر کرد. سید که در پی راهی برای بیرون بردن مومنان از پایتخت بود، هزار تن را گرد آورده، با حمایت سربازان هلاکوخان آنان را به حله رساند و در نخستین فرصت به پایتخت بازگشت تا شاید مومنی را از دردی برهاند یا بی‌گناهی را از کیفر رهایی بخشد.

در این روزگار هلاکو از وی خواست مقام نقابت علویان را بپذیرد. سید بن طاووس که در آغاز، این پیشنهاد را رد کرده بود با شنیدن پیامدهای رد درخواست هلاکوخان از زبان خواجه نصیر الدین طوسی، ناگزیر این مقام را پذیرفت و برای بیعت علویان مراسم ویژه‌ای برگزار کرد.

سید در سال 661 هجری نقابت علویان را پذیرفت. نقیب بزرگترین شخصیت علمی و دینی سادات بود که کلیه امور مربوط به سادات را عهده‌دار می‌شد. این وظایف شامل قضاوت مشاجرات، رسیدگی به مساکین و مستمندان، سرپرستی ایتام و ... می‌شد.

البته ایشان تأکید دارد که تنها به خاطر حفظ جان دوستان و شیعیانی که در معرض قتل و غارت مغول قرار داشتند این منصب را پذیرفته است.

دوری از مجلس فرمانروایان جور

دانشمند عارف حله از همنشینی با فرمانروایان ظالم می‌گریخت و در این باره هرگز پند دوستان ناآگاه را نمی‌شنید. روزی یکی از فقیهان روزگار به او گفت: امامان ما در محفل خلفا شرکت جسته، با آنها رفت و آمد داشتند. پس ورود ما به مجلس آنان نیز نمی‌تواند نکوهیده و زیان آور باشد.

سید پاسخ داد: پیشوایان ما در محفل آنان حضور می‌یافتند در حالی که قلبشان از شهوترانان حاکم رویگردان بود ولی تو آیا خود را چنین می‌دانی؟ به ویژه هنگامی که نیازت را برآورده می‌سازند و تو را از نزدیکان خویش قرار می‌دهند و نیکی درباره‌ات روا می‌دارند، آیا می‌توانی دل از دوستی آنان تهی کنی؟ فقیه گفت: نه، درست می‌گویی، حضور ناتوانان نزد توانگران هرگز مانند حضور اهل کمال نیست.

در حله یکی از فرمانروایان ضمن نامه‌ای از سید خواست در خانه به ملاقاتش شتابد. سید در پاسخ چنین نوشت: آیا در کاخی که زندگی می‌کنی چیزی از آن برای خدا ساخته شده است تا در آنجا حضور یابم، بر آن نشینم یا بدان نگرم؟ آگاه باش! آنچه مرا در روزهای آغازین عمر به ملاقات فرمانروایان می‌کشاند، اعتماد بر استخاره بود ولی اینک به فضل الهی از رازهایی آگاه شده، می‌دانم که استخاره در چنین مواردی دور از حق و صواب است.

فرمانروای کافر عادل، از مسلمان ظالم برتر است

هلاکوخان مغول فرمان داد دانشوران شهر در مدرسه المستنصریه حاضر شوند و درباره این پرسش که «آیا فرمانروای کافر عادل برتر است یا مسلمان ستمگر« حکم دهند.

سید بن طاووس، برتر بودن فرمانروای کافر عادل را تأیید کرد. در پی او دیگر فقیهان نیز به تأیید حکم پرداختند.

استادان «سید بن طاووس«

سید در محضر بزرگان عصر خویش به کسب علم و ادب و معنویت پرداخت. از جمله اساتید وی:

1. پدر بزرگوارش موسی بن جعفر

2. جدش ورام بن ابی فراس

3. ابن نما حلی

4. فخار بن معد موسوی

شاگردان «سید بن طاووس«

پرورش یافتگان مکتب سید ابن طاووس بزرگان معروفی هستند مانند:

1. سدید الدین حلی، پدر علامه حلی

2. علامه حلی

3. حسن بن داود حلی صاحب رجال

4. عبد الکریم بن احمد بن طاووس، برادر زاده او

تألیفات «سید بن طاووس»

سید ابن طاووس حدود 50 تألیف دارد که بسیاری از آنها در موضوعات ادعیه و زیارات است. سید کتابخانه‌ای غنی داشته و در تألیف کتابهای خویش از آنها استفاده می‌کرد. بسیاری از کتب مرجع سید در طول زمان از بین رفته و تنها منبع اطلاع ما از آنها، نوشته‌های امثال سید ابن طاووس است و این نکته ارزش تألیفات سید بن طاووس را دوچندان می‌کند.

از جمله تألیفات سید:

1. ده جلد کتاب «المهمات و التتمات» که هر یک با عنوان مستقل چاپ شده است از جمله: فلاح السائل، جمال الأسبوع، إقبال الأعمال و...

سید این کتب را به عنوان تتمه مصباح المتعبد شیخ طوسی نوشته است.

2. كشف المحجة لثمره المهجة، کتابی اخلاقی است و شامل وصیتهای سید به فرزندان است و مراحل مختلف زندگی خویش را هم در آن ذکر کرده است.

3. مصباح الزائر و جناح المسافر

4. الملهوف علی قتلی الطفوف.

5. مهج الدعوات و منهج العناية و ...

وفات «سید بن طاووس»

سید علی بن طاووس در سال 664 هجری در سن 75 سالگی و در شهر بغداد وفات نمود. بدن شریفش را به نجف اشرف منتقل کرده و در حرم امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به خاک سپردند.